

Shiraz-Beethoven.ir

یادداشت مترجم

موسیقی مجلسی^۱ نمایش‌نامه‌ی تک‌پرده‌ای که آرتور کوپیت آن را در سال ۱۹۶۲ نوشت. به گفته‌ی نویسنده، ایده‌ی ابتدایی آن به سال ۱۹۵۹ باز می‌گردد. اواخر بهار ۱۹۶۲ آغاز به نوشتن می‌کند و تابستان همان سال آن را به پایان می‌رساند.

زمان نمایش‌نامه در سال ۱۹۳۸ و مکان آن یک تیمارستان است. نمایش‌نامه درباره‌ی هشت زن است که در بیمارستانی روانی بستری شده‌اند. زن‌های این نمایش‌نامه همگی خود را همچون زنان سرشناس تاریخ می‌انگارند. ژاندارک^۲، گرترو استین^۳، سوزان آنتونی^۴، ملکه

۱ - فرمی از موسیقی کلاسیک است که برای گروه کوچکتري از سازها استفاده می‌شود. به‌طور کلی تر شامل هر نوع موسیقی هنری است که با حداقل نوازندگان اجرا می‌شود. کلمه‌ی اتاق یا تالار حاکی از آن است که موسیقی می‌تواند در یک اتاق کوچک و اغلب در یک سالن خصوصی با فضایی صمیمی اجرا شود. م

۲- ژاندارک یا دوشیزه اورلئان (۱۴۳۱-۱۴۱۲): قهرمان ملی فرانسه و قدیسه‌ای در کلیسای کاتولیک که در جنگ صد ساله بر ضد انگلستان، رهبری فرانسوی‌ها را بر عهده داشت. وی سرانجام به جرم ضدیت با قوانین کلیسا محکوم و در میدان شهر سوزانده شد. در سال ۱۴۵۶ در یک دادگاه تجدید نظر شرافت وی را تایید کردند. م

۳- گرترو استین (۱۹۴۶-۱۸۷۴) نویسنده‌ی یهودی آمریکایی، شاعر و کلکسیونر آثار هنری که بیشتر عمر خود را در فرانسه گذراند. م

۴- سوزان آنتونی (۱۹۰۶-۱۸۲۰) رهبر برجسته‌ی حقوق زنان که نقش محوری در معرفی حق رأی زنان در قرن ۱۹ بر عهده داشت. او یکی از حامیان مهم حقوق زنان در دولت آمریکا بود. م

ایزابلا، کنستانز موزارت^۲، پیرل وایت^۳، امیلیا ارهارت^۴ و آسا جانسون^۵.

هشت زن دور هم جمع شده‌اند چون تصمیم گرفته‌اند تا از حمله‌ای که به باور آن‌ها، قرار است به زودی از سوی مردها صورت گیرد، جلوگیری کنند. پزشک این تیمارستان؛ مرد سفیدپوش، در همه جا حاضر است تا آن‌ها را تحت نظر داشته باشد. در خلال دیالوگ‌های نمایش‌نامه و با توجه به شرایط زمانی و نشانه‌های موجود در متن، ثابت می‌شود که تنها زن واقعی در این جمع زنان مجنون، زنی است که ادعا می‌کند امیلیا ارهارت است. او ارهارت واقعی است! و سعی دارد جنون نسبت داده شده به خودش را نفی کند. او به همین دلیل واقعی بودن خود و زندگی‌اش، محکوم به مرگ و نیستی توسط دیگر زنان می‌شود. او کشته می‌شود، چون نقشی را بازی نمی‌کند و خود واقعی‌اش را زندگی می‌کند. بسیاری از منتقدان بر این باورند که این تیمارستان و حضور زن‌ها در آن، گواه دیگری است بر تمام بی‌عدالتی‌ها و بدرفتاری‌های نسبت به زنان که تاریخ آن‌ها را ثبت کرده و این چنین به نسل‌های آینده منتقل کرده است.

۱- ملکه ایزابلا (۱۵۰۴-۱۴۵۱) ملکه‌ی کاستیل و لئون بود. او و شوهرش فردیناند آراگن دوم،

ثبات را در هر دو پادشاهی برقرار کردند که پایه‌ای برای وحدت اسپانیا شد. م

۲- کنستانز موزارت (۱۸۴۲-۱۷۶۲) همسر ولفانگ آمادئوس موزارت. م

۳- پیرل وایت (۱۹۳۸-۱۸۸۹) بازیگر آمریکایی فیلم‌های صامت که لقب «ملکه شاهکار» فیلم‌های صامت را از آن خود کرد. م

۴- امیلیا ارهارت (۱۹۳۷-۱۸۹۷) خلبان پیشگام آمریکایی بود. او نخستین زنی بود که پرواز تک‌نفره را در عرض اقیانوس اطلس انجام داد. همچنین او نخستین زنی بود که موفق به دریافت صلیب متمایز پرواز شد. وی در سال ۱۹۳۷ در پروازی بر فراز اقیانوس آرام ناپدید شد. م

۵- آسا جانسون (۱۹۵۳-۱۸۹۴) ماجراجو و مستندساز آمریکایی. م

زن با لباس خلبانی

بسیار خوب، اگر دوست دارید مدارک را بررسی کنید همه چیز آن‌جا نوشته شده؛ دروغ نمی‌گویم. دوم جولای ۱۹۳۷؛ روزی که من سقوط کردم. درست بیرون، توی حیاط. دوم جولای ۱۹۳۷. زود باشید، اگر دوست دارید آن‌ها را بخوانید. چرا باید دروغ بگویم؟ [بقیه با صدای بلند می‌خندند] بین، هواپیمای من هنوز آن‌جا است. این مدرک کافی نیست؟ [طوفان خنده‌ها] خوب، درست است، آن را برای بچه‌های گم شده به حیاط بازی برگردانده‌اند. درست است که این هواپیمای قبلی نیست. هواپیمای غول‌پیکر قدرتمندی بود. اما باز هم مشکلی نیست. شکلش به اندازه‌ی فرد نونن^{۱۸} پیرسید! دوست و خلبان مورد اعتماد من. فردریک نونن بزرگ! آن‌جا، پشت آن دیوارهای وحشتناک، زندانی‌اش کرده‌اند! اگر باور ندارید، بروید آن‌جا. یا یکی را بفرستید آن‌جا از او بپرسد. اسمم را بپرسد، یا این‌که قبلاً کجا زندگی می‌کرده‌ام. اگر حرف‌هایم را قبول ندارید، بروید و از او بپرسید! [قهقهه‌ی پر سروصدا] خنده بس است! خنده بس است! بس است! [گوش‌هایم را می‌گیرد. خنده متوقف می‌شود] ببینید من واقعاً دارم حقیقت را می‌گویم. من واقعاً امیلیا ارهارت هستم. [مکثی کوتاه] دارم این‌جا پیر می‌شوم... [قهقهه‌ها او را عصبی می‌کنند] بس است. به من نخندید! بس است... نخندید! نخندید!...

۱۸ Fred Noonan (۱۸۹۳-۱۹۳۷) کاپیتان و هوانوردی پیشگام که برای اولین بار بسیاری از مسیرهای خطوط هوایی تجاری در سراسر اقیانوس آرام را در دهه ۱۹۳۰ طی کرد، او آخرین بار در دوم ژوئیه ۱۹۳۷ در گینه نو به همراه امیلیا ارهارت برای پرواز بر فراز اقیانوس آرام دیده شد. م

زن زره پوش

در دل تاریکی شب.

زن با لباس خلبانی

بله. واقعاً باور نکردنی است.

زن کوبه به دست

[به تندی] ببخشید؟

زن با لباس خلبانی

گفتم، واقعاً باور نکردنی است.

زن کوبه به دست

چه چیزی باور نکردنی است؟

زن با لباس خلبانی

همه‌ی این چرندیات...

همه بر می‌گردند و با نفرت به او نگاه می‌کنند. مکث.

زن کوبه به دست

[در حالی که بر اعصاب خود مسلط می‌شود] حالا نوبت... [زن با لباس خلبانی دستش

را بالا برده] خانم... ارهارت است.

زن با لباس خلبانی

از کجا می‌دانید که آن‌ها قصد حمله دارند؟

زن کوبه به دست

موضوع بحث ما، بقا است، خانم ارهارت! نه یک موضوع پیش پا افتاده و

مسخره.

زن با لباس خلبانی

از کجا مطمئن هستید که قرار است از طرف مردها حمله‌ای بشود؟

زن با لباس و تجهیزات سفر به آفریقا

[از دایره بیرون آمده و به سوی دیگر گام برمی‌دارد] قابلمه کجا است؟ قابلمه‌ی لعنتی کجا است؟ اگر توی قابلمه نپزیم‌اش، پس چطور می‌توانیم او را آن‌جا بفرستیم؟

به تدریج زن‌ها دست از تکه‌تکه کردن بدن بی‌جان زن با لباس خلبانی می‌کشند و یکی، یکی، صحنه‌ی جرم را ترک می‌کنند. گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است.

زن دفتر به‌دست

[آخرین نفر در صحنه‌ی جرم] به برف نگاه کن. به برف نگاه کن. به بارش برف نگاه کن. بارش، بارش، بارش...

زن زره‌پوش

[همچون کودکی خطاب به زن با لباس و تجهیزات سفر به آفریقا] چرا آن کار را کردی؟ چرا باید آن کار را می‌کردی؟ مال من بود. او با زره آمد. مال من بود. تو اصلاً حق نداشتی آن کار را بکنی. چرا باید آن کار را می‌کردی؟

زن زره‌پوش تکه‌های چوب را محکم در آغوش گرفته، می‌نشیند و به آرامی گریه می‌کند. زن با لباس و تجهیزات سفر به آفریقا به سوی دیگر بر می‌گردد.

زن با لباس و تجهیزات سفر به آفریقا

[به زن کوبه به‌دست] شما یک قابلمه این طرف‌ها ندیدی؟ یه قابلمه‌ی کوچک و سیاه، به اندازه و حجم یک نفر؟ [او منتظر جواب نمی‌ماند و به دور و بر نگاه می‌کند]

زن کوبه به‌دست

بله. می‌دانستم یک راهی پیدا خواهیم کرد. یک نقشه. یک راه.

دختر با لباس تابستانی

[همچون گرمی در پیله‌ی خود فرو رفته است] خیلی نرم، خیلی نرم. می‌دانستم به همین نرمی خواهد بود.